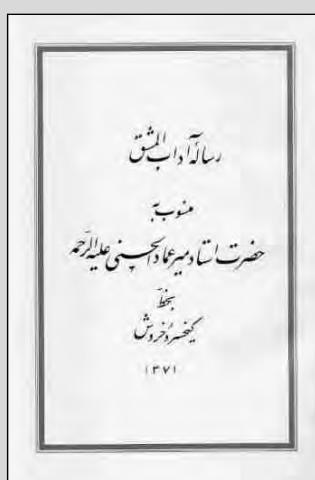


رساله آداب المشق
میرعماد الحسنی



طبع ارباب هوش افتاد.
میرعماد در ادامه به
بیان اجزای دوازده گانه
خط می پردازد که نه جزء
آن شامل ترکیب، کرسی،

نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی و
نزول حقیقی، معانی کاملاً مشخص دارند و به
منزله اجزای یک ترکیب هستند. این ترکیب در
خط جزء دهم است که اصول نام دارد و بدون آن
خط به نفاست نخواهد رسید.

میرعماد درباره اصول می آورد:
اما اصول کیفیتی است که از اعتدال ترکیب
اجزاء تسعه که مذکور شد حاصل می شود و در هر
خط این صفت اندکی باشد آن خط نفیس می باشد
و اگر از جواهر عزیزتر دارند می سزد و چون کمال
این صفت در خطی جلوه گر شود اگر از جان
درست تر دارند به جای خود است و مخفی نماند
اجزای تسعه در خط به منزله جسم است و اصول
به منزله جان و ذوق این باده ندانی به خدا تا
پخشی.

خط به دو لطیفه دیگر نیازمند است تا جمال
مقید به جمال مطلق پیوندد و جزء آینه کل نشود
و آن دعای سحر که:

اللهم انى اسألك من جمالك كله مستجاب
گردد و آن دو لطیفه شان و صفات. شان نوعی
ظهور و شکوه ملکوت در هنر است و صفا
درخشش و پاکی است که مقدمه برای ظهر شان
می شود.

میرعماد به این نکته اشاره می کند که فروغ
شان و صفا را هر دیده ای نتواند دید، چنان که سر
ملکوت و پیغام سروش را هر گوش نشنود.

رساله آداب المشق مشتمل بر اصول کلی
خوبنوسی است. منظومه سراط السطور اثر
مولانا سلطان علی مشهدی ملقب به سلطان
الخطاطین را می توان پیشرو رساله آداب المشق
دانست.

آداب المشق رساله ای است به
نشر مسجع که مطابق با سنت قدیم با
ستایش خداوند و حمد و ثنای رسول
اکرم آغاز شده و براساس همان سنت
قدیم مقدمه ای سرشار از اصطلاحات

و عبارات خط و خوبنوسی دارد. میرعماد در
رساله حاضر عشق خود را به خط و انگیزه هی
خود را از نگارش رساله چنین آورده است:

این حقیر روزی به حسب اتفاق به مطالعه
خط نستعلیق مشغول بود و به جستجوی انوار
جمال شاهد حقیقی راه تماشی خط می پیمود که
چندیتی از کتابت شریف قبله الكتاب مولانا
سلطان علی المشهدی علیه الرحمه در نظر آمده
و در نظر از هرچه گویی خوب تر.

وی سپس می افزاید:

القصه کمال میل تحصیل خط از نهاد این
خاکسار سر زد و اسباب تحصیل هر فن دیگر به
هم برزد. مدتی در خدمت بعضی عزیزان که در
این فن به جایی رسیده بودند یا از لب مبارک
ارباب این صنعت حکایتی شنیده بودند «بنده وار»

سر کرد و آنچه توانست به دست آورد:

تمتع ز هر گوشه ای یافتم

ز هر خرمونی خوشیده ای یافتم

اکنون می خواهد آنچه به یمن صحبت
عزیزان فراهم آورده و به کثرت کتابت و مشق
تجربه کرده سمت التیام و صورت انتظام یابد،
شاید که مبتدی را شاد کند و آن مبتدی این
خاکسار را به دعای خیر کناد. بنابراین در آن باب
اتفاق شش فصل افتاد و آن را آداب المشق نام
نهاد.

میرعماد در فصل نخست رساله به پیوند
میان هنر و اخلاق اشاره می کند و اینکه کاتب باید
از صفات ذمیمه احتراز کند، چرا که صفات ذمیمه
در نفس، نشانگر بی عدالتی است. پس کاتب باید
کسب صفات حمیده کند تا آثار انوار این صفات
مبارک از چهره شاهد خطش سرزند و مرغوب